

ضرورت آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه (دریایی) در نیروی‌های مسلح با تأکیدی بر کارکنان نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران

بهزاد سیفی^۱، حسین شریفی طراز کوهی^۲

چکیده

آموزش حرفه‌ای حقوق مخاصمات مسلحانه دریایی به نیروهای دریایی در زمان صلح، پیش‌شرط اساسی رفتار صحیح در زمان مخاصمه مسلحانه و ابزاری برای ترمیم آلام قربانیان، نجات انسانیت و اجرای یک جنگ قانونمند می‌باشد. آموزش حقوق مخاصمه مسلحانه دریایی به نیروهای دریایی به عنوان یکی از اهداف پایه‌ای است که نه تنها موجبات ترویج و تقویت حقوق مخاصمه را فراهم می‌آورد بلکه منجر به تضمین امنیت و حفظ تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران در پرتو احترام به قواعد حقوق مخاصمه مسلحانه بین‌المللی می‌شود. هدف اصلی این پژوهش تبیین ضرورت آموزش قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه دریایی در پرتو اسناد بین‌المللی و داخلی به نیروهای مسلح و به‌ویژه به نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. لذا نگارنده در این مقاله ضرورت آموزش قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه دریایی در نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران، به منظور آشنایی کارکنان نیروی دریایی با قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه را تبیین نموده، و با ارائه راهکارها و پیشنهاداتی، زمینه ترویج و توسعه این قواعد را در سطح نیروهای مسلح و نیروی دریایی را فراهم آورد. در این راستا این تحقیق از نوع کاربردی- توسعه‌ای بوده و روش تحقیقی پژوهش حاضر روش تحلیلی - توصیفی است. و روش جمع‌آوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای - اسنادی می‌باشد.

واژگان کلیدی: آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه، نیروهای مسلح، نیروی دریایی، حقوق بین‌الملل

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۵/۰۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۰/۱۱

۱ دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم دریایی حضرت امام خمینی (ره) Behzadseifeyfiii@yahoo.com

۲ دانشیار حقوق بین‌الملل واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران

مقدمه

مخاصمه دریایی بخش مهمی از مخاصمات معاصر، به ویژه در سطح بین‌المللی را تشکیل می‌دهد و حقوق مخاصمه دریایی از عرصه‌های حقوق بین‌الملل است که به لحاظ ماهیت قواعد و نوع منافع و مصالح مربوطه از اهمیت بسزایی برای جامعه جهانی برخوردار است. مخاصمه در دریا شرایط پیچیده‌ای دارد که هوشیاری و آگاهی، از شرایط اساسی بقاء در دریا محسوب می‌شود. امروزه شرایط جنگ دریایی و کشتیرانی بین‌المللی عرصه‌ای فراتر از سایر جنگ‌ها را در بر می‌گیرد.

حقوق مخاصمه^۱ دریایی، روابط میان طرف‌های متخاصم با همدیگر و با دولت‌های بی‌طرف را در دریا تنظیم می‌کند، مبتنی بر قواعد عرفی و قراردادی متعددی می‌باشند. اگر چه بسیاری از قواعد مخاصمات (مانند: رفتار با اسرای جنگی) در همه جنگ‌ها مشترک هستند؛ اما مخاصمه دریایی از جهات دیگر تابع یک نظام حقوقی متفاوت است. محیطی که در آن مخاصمه دریایی روی می‌دهد، با محیط جنگ زمینی متفاوت است؛ دامنه آن برای تأثیرگذاری بر حقوق دولت‌های بی‌طرف بسیار گسترده‌تر است؛ و قواعد حاکم بر جنگ دریایی، آن طور که در مورد قواعد قابل اعمال بر جنگ زمینی مشاهده می‌شود تا حدود زیادی مورد توجه قرار نگرفته است (گرین‌وود^۲، ۱۳۸۷: ۳۳). اما مخاصمه دریایی به واسطه عوامل محیطی و ابزارهای متفاوت از سایر جنگ‌ها، دارای برخی ویژگی‌های منحصر به فرد بوده که مجموعه خاصی از قواعد را ایجاب می‌کند (ساسولی^۳، بویر^۴، کوینتین^۵، ۱).

اگر چه جنگ‌های دریایی هم‌چون جنگ‌های زمینی مکرر تکرار نشده‌اند، اما مخاصمات اخیر نشان داد که یقیناً به حقوق قابل اجرا در جنگ دریایی نیاز می‌باشد. مخاصمه فالکلند اولین جنگ دریایی بعد از جنگ جهانی دوم بود، اگر چه اساساً منجر به مسائل جدی در ارتباط با ایمنی غیرنظامیان یا کشتیرانی بی‌طرف نشد اما مسائل مهمی را در ارتباط با استفاده از منطقه ممنوعه مطرح کرد. انجام عملیات‌های دریایی در جنگ ایران و عراق و استفاده از روش‌های جنگ دریایی توسط متخاصمین، ضرورت رعایت این قواعد را به‌طور گسترده نشان داد. علاوه بر این حمله به ایرباس ایرانی توسط ایالات متحده آمریکا مشکلاتی را در تعریف اهداف نظامی مطرح کرد. در جنگ خلیج فارس نیز عراق به‌طور گسترده از روش محاصره استفاده کرد، بدون اینکه به‌طور رسمی طراحی و اعلام شده باشد (دوسولدبک^۶، ۱۹۹۵: ۵۸۵).

ارتش جمهوری اسلامی ایران «به استناد نص صریح اصل یکصد و چهل و سوم و یکصد و چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ارتشی مکتبی و مردمی است و وظیفه پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را بر عهده دارد» و اساساً در شرح وظایف و مأموریت‌های محوله به نیروی دریایی ارتش، حراست و حفاظت از مرزهای آبی و منافع جمهوری اسلامی ایران در دریاها و آب‌های بین‌المللی به عنوان یکی از وظایف اصلی این نیرو مشخص شده است. بدیهی است نیروی دریایی به عنوان یک نیروی راهبردی باید از منافع کشور و خطوط مواصلاتی آن که در اقصی نقاط آب‌های دنیا گسترش پیدا کرده، محافظت کند، زیرا دریاها یکی از بهترین راه‌های اقتصادی در جهان هستند و در حال حاضر کشتی‌های تجاری ایران بایستی از آبراه‌ها و گلوگاه‌های مختلف دنیا عبور کنند (سیفی، کریمی، ۱۳۹۶، ۶۰۶). مسلماً در صورت وقوع مخاصمه مسلحانه دریایی، پیشگام جنگ دریایی، نیرو دریایی ارتش جمهوری مسلح ایران می‌باشد که این وظیفه خطیر و مهم را بر عهده دارد، که لازمه اجرای صحیح این وظیفه خطیر آموزش قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه دریایی است. نکته حائز اهمیت دیگر این است که جمهوری اسلامی ایران با عنایت به اینکه پیرو دین مبین اسلام بوده و همواره در زمینه احترام به ارزش‌های بشردوستانه پیش‌قدم بوده و نقش بسیار والا و برجسته‌ای در نهادهای حقوق بشردوستانه از قبیل هلال احمر و کمیته صلیب سرخ و نیز کارهای مقدماتی و تدوین کنوانسیون‌های مرتبط با این حوزه را ایفا نموده، لیکن در طول سالیان متمادی بعد از انقلاب، همواره در معرض اتهامات واهی فراوانی از سوی دشمنانش با هدف در انزوا قرار دادن آن واقع شده، لذا با توجه به عضویت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون‌های حقوق مخاصمات مسلحانه و متعهد بودن آن به اجرای

۱- امروزه واژه حقوق مخاصمه جایگزین حقوق جنگ گردیده است.

2 - Greenwood

3 - Sassòli

4 - Bouvier

5 - Quintin

6 - Doswald-Beck

تعهدات مندرج در این کنوانسیون‌ها، ترویج و آموزش اصول حقوق مخاصمات مسلحانه به نیروهای مسلح‌اش بخشی از تعهدات اصلی آن به‌شمار می‌رود.

ترویج و آموزش اصول حقوق مخاصمات به‌منظور پیشگیری از گسترش دامنه‌ی جنگ‌ها و رعایت معیارهای انسانی و اخلاقی در مخاصمات مسلحانه به صورت یک جنبش جهانی در آمده است. حقوق مخاصمات بین‌المللی در سالیان اخیر به عنوان یکی از پرچالش‌ترین مباحث حقوقی در صحنه بین‌المللی مطرح بوده و بسیاری از کشورها چه از نظر اصلاح قوانین داخلی، چه از نظر الحاق به معاهدات بین‌المللی و چه از نظر تشکیل کمیته‌های ملی و ارگان‌های مسئول دولتی، در این رابطه اقدامات قابل ملاحظه‌ای را انجام داده‌اند (ملک‌زاده، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷: ۹۸).

بدون تردید، آموزش حرفه‌ای حقوق مخاصمات در زمان صلح، پیش‌شرط اساسی رفتار صحیح در زمان مخاصمه مسلحانه و ابزاری است برای ترمیم آلام قربانیان، نجات انسانیت، نوع بشر، و تحقق صلح. از این رو اگرچه اکثر اعضای نیروهای مسلح نسبت به اینکه حقوق مخاصمات مسلحانه از چه چیزی صحبت می‌کند، آگاهی دارند، اما گاهی که از آن‌ها خواسته می‌شود مأموریت نظامی خود را در چهارچوب موازین حقوقی به اجرا درآورند، اطمینان خاطر چندانی از خود نشان نمی‌دهند. آنها معمولاً بیم دارند که در این امر کارایی لازم را نداشته باشند. واحد مربوط به روابط با نیروهای مسلح و امنیتی در کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ سال‌هاست به کشورها کمک می‌کند تا این اصول حقوقی را در فعالیت‌های آموزشی و ترمیمی نیروهای مسلح خود بگنجانند تا از این طریق نوعی رفتار حرفه‌ای و انضباطی در بین کسانی که در سطوح تاکتیکی سلاح حمل می‌کنند، شکل گیرد و به نوبه‌ی خود به ادغام این اصول در روند تصمیم‌گیری‌های نظامی در بخش‌های عملیاتی و در فعالیت‌های نظارتی که ضامن رعایت این قواعد در حین عمل باشند، منجر گردد (آنتونی پ. و. و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳).

«آموزش» ماهیتی دوگانه دارد که آمیزه‌ای از حق و تکلیف است. برای حق بودنش، افزون بر آرای اندیشوران، در اسناد داخلی و بین‌المللی متعددی مورد استناد واقع شده است، از جمله بند ۳ اصل سوم قانون اساسی، اصل سی، بند یک اصل چهل و سوم، بند ۳ همان اصل، ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر، در پاره‌ای دیگر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای نیز بر حق آموزش^۱ تأکید شده است. برای تکلیف دانستن آموختن، باید به ضرورت‌های اجتماعی و تخصصی - در برخی حوزه‌های شغلی، مانند پزشکی، امور نظامی و نیز فوق تخصصی - شدن امور توجه کرد، که به وجود چنین مسئولیتی در بند ۱ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، و برخی اسناد منطقه‌ای حقوق بشر، نیز اشاره شده است (نوری، ۱۳۸۳: ۲۱).

آموزش، یعنی آموختن رموز و مسئولیت‌های حرفه‌ای، افزون بر آن که حق نیروهای نظامی است، تکلیف آنان نیز می‌باشد. برای تأمین همین هدف عالی است که در مواد ۴۷ کنوانسیون اول، ۴۸ کنوانسیون دوم، ۱۲۷ کنوانسیون سوم و ۱۴۴ کنوانسیون چهارم از کنوانسیون‌های پیش گفته، تصریح شده است: «دولت‌ها موظف‌اند مقررات این قرارداد را، در زمان جنگ و صلح در کشور خود اشاعه دهند و به ویژه تدریس آن را در برنامه آموزش نظامی، و در صورت امکان، در برنامه‌های تعلیمات کشور بگنجانند، به طوری که عموم مردم به ویژه نیروهای مسلح شرکت‌کننده در جنگ، و کادر پزشکی و مذهبی نیروهای مسلح از اصول آن آگاهی کامل داشته باشند» (نوری، ۱۳۸۳: ۲۳). با این حال علیرغم همه این تأکیدات که مورد وفاق جامعه بین‌المللی و جوامع بشری است، در کمتر مخاصمه‌ای می‌توان این پای‌بندی به حقوق انسان‌ها را مشاهده کرد و همین عامل سبب تضعیف این حقوق و واکنش مناسب نهادهای بین‌المللی در تعقیب و پیاده‌سازی آن شده و این سؤال پیش می‌آید که آیا آموزش حقوق مخاصمه مسلحانه در سطح نیروهای مسلح و نیروی دریایی ضرورت دارد؟ اگر ضرورت دارد، چگونه آموزش می‌تواند موجبات ترویج و تقویت آن را فراهم آورد؟

نیروی دریایی به عنوان بازوی نظامی و بخش مهمی از نیروهای مسلح سازمان‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که به هنگام وقوع مخاصمه مسلحانه دریایی ضمن اعمال اقتدار و نمایش پرچم کشور در عرصه دریا که بخش مهمی از عرصه بین‌المللی است، به دفاع از تمامیت ارضی، حفظ خطوط مواصلاتی کشتیرانی، و منافع ملی در عرصه دریا می‌پردازد. از این‌رو از آنجا که در جامعه بین‌المللی شناخت صحیح قواعد، موجب می‌گردد که ضمن رعایت اقتدار ملی، اقدام متناسب حقوقی و

سخت در مقابل هر گونه تعرض به تمامیت ارضی کشور صورت پذیرد، در مقابل عدم آشنایی با قواعد حقوقی مخاصمات مسلحانه دریایی می‌تواند، منجر به نقض اصول اساسی بشردوستانه، موجبات مسئولیت دولت را در بر داشته باشد. روشن است، بر مبنای فرضیه اصلی تحقیق آموزش و رعایت قواعد مخاصمات مسلحانه دریایی به عنوان قواعد معاهده‌ای و عرفی به نیروهای مسلح ضرورت دارد که این نقش برعهده نیروهای دریایی می‌باشد. بر همین اساس بر اساس فرضیه دوم، آموزش حقوقی مخاصمه مسلحانه دریایی به نیروهای دریایی به عنوان یکی از اهداف پایه‌ای است که نه تنها موجبات ترویج و تقویت حقوق مخاصمه را فراهم می‌آورد بلکه منجر به تضمین امنیت و حفظ تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران در پرتو احترام به قواعد حقوقی مخاصمه مسلحانه بین‌المللی می‌شود. لذا هدف اصلی این پژوهش تبیین ضرورت آموزش قواعد حقوقی مخاصمات مسلحانه دریایی در پرتو اسناد بین‌المللی و داخلی به نیروهای مسلح و به‌ویژه به نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. و نیز پیشنهاد راهکارهایی برای آموزش این قواعد به نیروهای مسلح دریایی می‌باشد. ضرورت این تحقیق نیز از این رو است که اثبات نماید، آموزش مداوم افراد و ایجاد آمادگی حرفه‌ای در آنان برای ایفای رسالت اجتماعی خود نه تنها مهم و ضروری است، بلکه اهمیت این آموزش برای متصدیان برخی مشاغل از جمله نظامیان از آن جهت که به تناسب حرفه‌ی خود در معرض سوءاستفاده از قدرت عاریتی خویش‌اند و یا هر گونه خطای حرفه‌ای آنان آثار دهشتناک و غیرقابل جبران رخ می‌دهد، که آموزش حرفه‌ای این قواعد می‌تواند از این خطاها جلوگیری نماید. نگارنده در این مقاله ضرورت آموزش قواعد حقوقی مخاصمات مسلحانه دریایی در نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران، را در پرتو اسناد بین‌المللی و قوانین و مقررات داخلی، به منظور آشنایی کارکنان نیروی دریایی با قواعد حقوقی مخاصمات مسلحانه دریایی را تبیین می‌نماید.

روش تحقیق

روش تحقیقی نوشتار حاضر روش تحلیلی - تبیینی است. منظور از این روش این است که ضمن بیان خصوصیات یک موقعیت در صدد است تا با جمع‌آوری داده‌ها در بیان بررسی وضع موجود به ارزیابی آن بپردازد. در واقع از آنجا که روش تحلیل داده‌ها در تحقیق مورد نظر روش شناخت منطقی است. این نوشتار در صدد است تا با مشاهده قضا یا از طریق استدلال - های منطقی و درست با استنباط صحیح احکام حقوقی و تحلیل و تفسیر آنها، ضرورت آموزش قواعد حقوقی مخاصمات مسلحانه دریایی در نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران را مد نظر قرار دهد، در این راستا این تحقیق از نوع کاربردی - توسعه‌ای با تأکید بر جنبه آموزش قواعد حقوقی مخاصمات مسلحانه دریایی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات روش کتابخانه - ای است، با رجوع به منابع از طریق کتب، اسناد، نشریات ادواری و اینترنت و فیش برداری به داده‌های تحقیق دست می‌یابیم. جنگ دریایی مخاصمه مسلحانه‌ای است که از زیردریایی‌ها و کشتی‌های جنگی هدایت و فرماندهی می‌شوند و توسط ناوهای نیروی دریایی صورت می‌گیرند. مخاصمات حتی اگر از دریا به زمین هم انجام شود، جنگ دریایی است. مانند بمباران دریایی یک کشور توسط ناوهای جنگی دشمن (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۳: ۱۰۰-۹۹). اما بدون تردید این تعریف سنتی از جنگ دریایی که نشأت گرفته از قواعد پیشین و قراردادی می‌باشد، با توجه به کارگیری فناوری‌های نوین و ابزار و روش‌های جنگی جدید و نیز تحولات حقوقی در عرصه مخاصمات مسلحانه دریایی، هم‌خوانی نداشته و تعریف به‌روزتری را خواستار می‌باشد. از این رو به‌نظر می‌رسد در یک تعریف کلی و کامل، «جنگ دریایی به معنی استفاده از تاکتیک‌ها و اجرای عملیات نظامی بر روی، زیر، و یا برفراز دریا می‌باشد» (ساسولی، بویر، کوینتین، ۲). در این تعریف با جمع دو عبارت تاکتیک و عملیات نظامی تا حدودی انواع روش‌ها و ابزار جنگ دریایی از جمله به کارگیری کشتی‌ها، زیردریایی‌ها، مین‌های دریایی، محاصره دریایی و ... مد نظر قرار گرفته شده است.

حقوق جنگ دریایی بخشی از بدنه گسترده حقوق قابل اجرا در مخاصمه مسلحانه است. «حقوق جنگ دریایی، روابط میان طرف‌های متخاصم با یکدیگر و با دولت‌های بی‌طرف را در دریا تنظیم می‌کند، تا حد زیادی در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در قالب اسناد بین‌المللی جای گرفته است. اعلامیه‌ها و معاهداتی که پیکره اصلی حقوق جنگ دریایی را تشکیل می‌دهند، عمدتاً در کنفرانس‌های صلح ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه به امضا رسیده‌اند» (نیکنام، ۱۳۸۶: ۵۱). با وجود این حتی برخی

اسناد قدیمی تر مثل اعلامیه ۱۸۵۶ پاریس در مورد قاچاق جنگی هنوز از اهمیت زیادی برای جامعه بین‌المللی برخوردارند. بعد از کنفرانس ۱۹۰۷ لاهه اقدامات پراکنده‌ای برای تنظیم قواعد و مقررات ناظر به جنگ دریایی صورت گرفت که اعلامیه ۱۹۰۹ لندن در مورد قاچاق جنگی و پروتکل ۱۹۳۶ لندن دربارهٔ زیردریایی‌ها حاصل آن اقدامات تلقی می‌گردند (زمانی، ۱۳۷۵: ۳۷). پس از تلاش‌های بی‌نتیجه ۱۹۰۷ و ۱۹۰۹ برای ایجاد دادگاه غنائم بین‌المللی، همچنین در مقابل تلاش‌های موفقیت‌آمیزی در سال ۱۹۳۰ و ۱۹۳۶ برای جلوگیری از جنگ زیردریایی علیه کشتیرانی تجاری صورت گرفت، «قواعد ناظر بر جنگ زیردریایی، به‌طور گسترده توسط متخاصمین جنگ جهانی دوم نادیده گرفته شدند» (پرووست^۱، ۲۰۰۲: ۱۷۴)، لیکن به استثنای بخشی از حقوق ژنو که در سال ۱۹۴۹ با کنوانسیون دوم برای حمایت از مجروحین، بیماران و کشتی‌شکستگان به اوج خود رسیده است، متأسفانه تا به امروز هیچ کنفرانس بین‌المللی نتوانسته است پیش‌نویس قواعدی برای حمایت از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی در مقابل فعالیت‌های خصومت‌آمیز در دریا را تحت پوشش قرار دهد (کالسون^۲، ۲۰۱۱: ۲۷). در حال حاضر، قواعد اساسی مربوط به هدایت مخاصمات مسلحانه در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ مقرر شده است و به همان میزان پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، علاوه بر جنگ‌های زمینی، در مورد جنگ‌های دریایی (حمله به اهداف ساحلی) به کار برده می‌شود.

صرف‌نظر از کنوانسیون دوم ژنو، که به مجروحان، بیماران، کشتی‌شکسته‌ها مرتبط می‌شود، هیچ یک از معاهدات منعقد شده پس از سال ۱۹۴۵ به صورت خاص به موضوع جنگ دریایی نپرداخته‌اند و برخی از مهم‌ترین مقررات پروتکل اول الحاقی، در مورد جنگ دریایی قابل اعمال نیستند مگر تا آنجا که بر جمعیت غیرنظامی مستقر در خشکی تأثیر داشته باشد یا علیه اهداف زمینی هدف‌گیری گردند. نتیجه آن که بیشتر قواعد جنگ دریایی هنوز قواعد بین‌الملل عرفی هستند. بنابراین در فقدان قواعد مثبت، عملکرد متخاصمین در جنگ را به داوری افسران و مقامات نظامی نخواهد سپرد (ماریسکا^۳، ماسلن^۴، ۲۰۰۰: ۱۳-۱۱)؛ لذا قواعد عرفی جنگ تنها قواعد اجرایی هستند که در صورت عدم وجود حقوق معاهده‌ای قادرند کشورهای متخاصم را به یکدیگر پیوند دهند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۳: ۷۹). این اصل اگر چه به‌طور مستقیم مخاصمات را کنترل نمی‌نماید اما زیربنای حقوق برای توسعه حمایت‌های بشردوستانه در حقوق مخاصمات مسلحانه جهت تعیین ماهیت تعهدات بشردوستانه در قرن بیستم (بیست و یکم) می‌باشد (استفنت^۵، ۲۰۰۱: ۱۱).

شاید مهم‌ترین سند حاکم بر جنگ دریایی پس از جنگ جهانی اول پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ می‌باشد، علاوه بر جنگ‌های زمینی، تا حدودی در مورد جنگ‌های دریایی (حمله به اهداف ساحلی) به کار برده می‌شود. بر اساس بند ۳ ماده ۴۹ پروتکل اول، مقررات بخش اول (مواد ۶۷-۴۸) «بر هرگونه جنگ زمینی، هوایی یا دریایی که ممکن است بر جمعیت غیرنظامی، افراد نظامی یا اهداف غیرنظامی واقع در خشکی تأثیر بگذارد، اعمال می‌گردد. این قواعد بر کلیه حملات از دریا یا از هوا علیه اهداف واقع در خشکی، اعمال می‌شود» (کالسون، دلینسن^۶، تانجا^۷، ۱۹۹۱: ۲۷). در خصوص قابلیت اعمال قواعد پروتکل الحاقی بر جمعیت غیرنظامی یا افراد غیرنظامی در طول جنگ دریایی، این ماده و همچنین بند ۴ ماده ۴۹ پروتکل اول در حمایت از مواضعی متضاد و متناقض مورد استناد قرار گرفته‌اند. بند ۳ ماده ۴۹ پروتکل اول صرفاً اعمال مواد ۶۷-۴۸ پروتکل را در جنگ دریایی مستثنی می‌سازد. سایر مقررات پروتکل اول به ویژه مواد ۴۱-۳۵ قابل اعمال هستند. بخش اول پروتکل، ناظر بر جنگ دریایی است که ممکن است بر جمعیت غیرنظامی واقع در خشکی، تأثیر بگذارند و علاوه بر این، در خصوص حملات از دریا علیه اهداف واقع در خشکی نیز قابل اعمال می‌باشد (هینگ^۸، ۱۳۸۷: ۵۵۳). بند ۴ ماده ۵۷ مقرر می‌دارد که متخاصمین در انجام عملیات نظامی خود در دریا تمام احتیاطات معقول را برای احتراز از سلب حیات افراد غیرنظامی و خسارت به اهداف غیرنظامی مبذول خواهند داشت. از این‌رو بند ۳ ماده ۴۹، مواد ۴۸ تا ۶۷ پروتکل را در موارد زیر قابل اعمال می‌سازد: الف:

- 1- Provost
- 2- Kalshoven
- 3 - Maresca
- 4- Maslen
- 5- Stephenst
- 6- Delissen
- 7- Tanja
- 8- Heinegg

عملیات دریایی؛ هر چند محل انجام آنها زمین نیست و فقط در مناطق دریایی صورت می‌گیرد، لیکن ممکن است متوجه جمعیت غیرنظامی یا هدف‌های غیرنظامی روی زمین گردد. ب: بمباران دریایی علیه هدف‌های روی زمین. از سوی دیگر بند ۴ ماده ۴۹ مقرر می‌دارد که مقررات بخش چهارم به دیگر قواعد حقوق بین‌المللی قابل اعمال در مورد حمایت از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی در دریا در مقابل آثار مخاصمات افزوده می‌شود و بر این اساس، روشن است که قواعد بخش چهارم نه فقط در مورد عملیاتی که از دریا علیه زمین صورت می‌گیرد، بلکه در مورد درگیری کشتی‌ها با یکدیگر نیز اعمال می‌شود (زمانی، ۱۳۷۵: ۵۷). از این رو، بخش اول پروتکل در خصوص عملیات کشتی علیه کشتی، کشتی به هوا و یا هوا به کشتی قابل اعمال است مشروط به اینکه احتمال برود که جمعیت یا اهداف غیرنظامی تحت تأثیر قرار گیرند. به عبارت دیگر، عملیات مذکور تنها در صورتی تحت پوشش بخش اول پروتکل است که خسارت تبعی برای موجودات انسانی یا اهداف غیرنظامی واقع در خشکی داشته یا ممکن است داشته باشد. از این رو مواد ۵۱ و ۵۲ پروتکل اول، نسبت به حملات علیه کشتی‌های تجاری یا مین‌گذاری قابل اعمال نیستند. این عملیات، مشمول «قواعد حقوق بین‌الملل قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه دریایی» هستند. از جمله بند ۳ ماده ۴۹ و بند ۴ ماده ۴۹ پروتکل اول، این امر به خوبی روشن و مستفاد می‌گردد. از آنچه گفته شد چنین استفاده می‌شود که مقررات پروتکل اول را در احراز اصول و قواعد قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه دریایی نیز باید مورد توجه قرار داد (هینگ، ۱۳۸۷: ۵۵۳).

علاوه بر این گروهی از حقوق‌دانان و کارشناسان نیروهای دریایی کشورهای مختلف تحت نظر سازمان بین‌المللی حقوق بشردوستانه «سانرمو»^۱ و با همکاری سازمان جهانی صلیب سرخ در سال ۱۹۹۴ دستورالعمل سانرمو را بر اساس حقوق بین‌الملل ایجاد کردند که برای مخاصمات مسلحانه در دریا قابل کاربرد می‌باشد و با وجود اینکه یک سند الزام‌آور نمی‌باشد، اما بازنگری معاصر از حقوق بین‌الملل قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه در دریاست، به‌طور کلی حقوق بین‌الملل عرفی در مخاصمات مسلحانه دریایی را مورد قبول و مورد توجه قرار داده است. و برخی نیز بر این اعتقادند که دقیق‌ترین و متداول‌ترین قواعد ناظر بر جنگ دریایی در راهنمای سانرمو و به همان میزان در کتابچه‌های نظامی ملی دولت‌های مختلف مشاهده می‌شود، که نمونه آن کتابچه نظامی ایالات متحده آمریکا برای عملیات‌های دریایی است (کلین^۲، ۲۰۱۱: ۲۸۶).

قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه دریایی صرفاً مبتنی بر حقوق معاهدات نیستند، بلکه به موازات معاهدات، هنجارهای عرفی و یا اصول کلی، به عنوان منابع حقوقی جایگزین معاهدات مد نظر قرار داده شده‌اند. با این حال، «حقوق عرفی جنگ دریایی و بی‌طرفی و اصول کلی مربوط به جنگ دریایی، در شرایط حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یک استثنا به شمار می‌آیند» (والکر^۳، ۲۰۰۴: ۳۹۱). حقوق مخاصمه بین‌المللی دریایی در مواردی که در آن دو یا چند دولت در وضعیت مخاصمه هستند اعمال می‌شود، سناریوی مخاصمه دریایی توسط طرفین متخاصم در قلمرو سرزمینی، دریای سرزمینی، آب‌های داخلی، منطقه انحصاری اقتصادی، فلات قاره و آب‌های مجمع‌الجزایری و دریای آزاد صورت می‌گیرد. بدون تردید محتوای اکثریت اسناد جنگ در تلاش بوده است که جنگ‌های زمینی را تحت قاعده درآورد، لکن با توجه به این که محتوای این اسناد بیشتر ماهیت حقوق عرفی دارند، قاعدتاً بر سایر شیوه‌های مخاصمات بین‌المللی اعم از دریایی، هوایی، سایبری، فضا و ... اعمال می‌شود. از این رو تعیین حقوق مخاصمه بین‌المللی دریایی برای اعمال بر مجموعه‌ای از قواعد حاکم بر عملیات نظامی دریایی است. مطمئناً، این حقوق در اصول اساسی حقوق مخاصمه بین‌المللی قابل اجرا بر مخاصمه زمین مشترک هستند، اما خاص بودن اقدامات ناشی از جنگ دریایی، تدوین حقوق مخاصمه دریایی را به عنوان یک مشتق خاص از حقوق مخاصمه بین‌المللی توجیه می‌نماید. در حمایت از این نظر می‌توان الگوی مناسبی را که از حقوق بین‌المللی نشأت گرفته است، دنبال کرد، که بخش خاصی از آن را می‌توان در محیط زیست دریایی، حقوق دریاها مشاهده کرد، که شناسایی حقوق مخاصمه بین‌المللی دریایی را به عنوان یک شاخه حقوقی منحصر به فرد تسهیل می‌نماید و کمک می‌کند تا وضعیت خاص آن در شرایط سختی که در آن عملیات نظامی در اقیانوس‌ها انجام می‌شود، شفاف شود، به‌ویژه آنجا که با آسیب‌پذیری قربانیان جنگ دریایی و

1- Sanremo

2- Klein

3- Walker

تأثیر جنگ دریایی بر روی ترافیک دریایی ارتباط پیدا می‌کند (جوردیکاس^۱، ۲۰۱۰: ۱۱). براساس بند ۵ ماده ۱۳ دستورالعمل سان‌رمو، حقوق مخاصمه بین‌المللی، قواعد بین‌المللی ایجاد شده از رهگذر معاهدات یا عرف‌های بین‌المللی است که حق طرف‌های مخاصمه را برای استفاده از شیوه‌ها یا وسایل جنگی محدود می‌کند یا از دولت‌هایی که طرف مخاصمه نیستند و یا اشخاص و اهدافی که از مخاصمه متأثر می‌گردند یا محتمل است که تأثیر پذیرند، حمایت به عمل می‌آورد (هینگ، ۱۳۸۷: ۵۵۲).

صرف نظر از وضعیت متعارف حقوق مخاصمه بین‌المللی به عنوان حقوق عرفی، عرف‌ها و شیوه‌های بی‌شماری در حال حاضر با همزیستی قواعد حقوق معاهدات توسعه یافته است، این پویایی در امور دریایی در حال حاضر بیشتر بوده و محرکی شده است که فرایند عمومی حقوق مخاصمه بین‌المللی دریایی از طریق کدهای راهنمای ملی قدرت‌های بزرگ توسعه یابد (جوردیکاس، ۲۰۱۰: ۹). از این رو، علیرغم اینکه هیچ معاهده و مقررات خاصی که اصول کلی حقوق مخاصمه بین‌المللی قابل اعمال بر جنگ زمینی را به جنگ در محیط دریایی تسری دهد وجود ندارد. با این وجود شکی وجود ندارد اصول عرفی خاصی برای همه اشکال مخاصمه مسلحانه کاربرد دارد. شاید مهم‌ترین اصلی که تصور می‌شود در هر مخاصمه مسلحانه‌ای قابل اعمال باشد، این است که طرفین در انتخاب ابزار و روش‌های جنگی محدود می‌باشند. این اصل کلی به‌هنگام مخاصمه دریایی به عنوان حقوق مخاصمه دریایی بر طرفین متخاصم اعمال می‌شود.

اصل منع درد و رنج بیهوده

محدود کردن ابزارها و روش‌های جنگی، به معنی تعادل برقرار کردن بین ضرورت نظامی و آسیب‌های وارد آمده به وسیله برپایی جنگ در جهت حمایت از افراد غیر رزمنده است. این را می‌توان در مقدمه معاهده لاهه ۱۹۸۸ در مورد جنگ زمینی دید (دبلر^۲، ۲۰۰۵: ۳۹). ابزارهای جنگی ممنوع، سلاح‌هایی هستند که باعث آسیب‌ها و درد و رنج بیهوده می‌شوند، و نمی‌توانند به‌طور مناسب بین افراد نظامی و غیرنظامی تفکیک قائل شوند و باعث آسیب‌های طولانی مدت و شدید به محیط زیست شوند (دبلر، ۲۰۰۵: ۴۲). این اصل به تدریج استحکام بیشتری یافت تا جایی که بند یک ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو آن را مورد تأکید قرار داد. ترمینولوژی یا لغات به‌کار برده شده با دقت انتخاب شده است. در ماده ۲۲ معاهده چهارم ۱۹۰۷ لاهه، لفظ وسایل جنگ به‌کار رفته و در متن پروتکل اول ۱۹۷۷ لفظ روش به آن اضافه شده است، غرض حشو و زیاده‌گویی نبوده است. وقتی گفته می‌شود وسایل، منظور اسلحه‌هایی است که به کارگرفته می‌شود، وقتی گفته می‌شود روش‌ها منظور استفاده‌ای است که متخاصمین از آن وسایل می‌کنند (زمانی، ۱۳۷۵: ۵۵). در بحث مخاصمه دریایی کنوانسیون‌های لاهه تا حدودی تلاش نمودند به‌کارگیری برخی ابزارهای دریایی را محدود نمایند، برای نمونه کنوانسیون هشتم لاهه به‌کارگیری مین‌های دریایی تماسی خودکار را محدود نموده است. و در مورد روش‌های جنگی ممنوع معاهده ۱۹۲۲ واشنگتن استفاده از زیردریایی‌ها را محدود می‌کند. و زیردریایی‌ها را از حمله به کشتی‌های تجاری منع می‌کند (دبلر، ۲۰۰۵: ۴۶).

اصل تفکیک

ممنوعیت هدف‌گیری موجود در بند ۲ ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول در مورد جمعیت غیر نظامی به‌طور مستقیم به اقدامات جنگ دریایی که ممکن است جمعیت غیر نظامی در دریا و یا مستقر بر روی مردم زمین را تحت تأثیر قرار دهد، قابل اجرا است. از این رو تنها اهداف نظامی می‌تواند موضوع حمله قانونی واقع شوند. علاوه بر این هر ممنوعیت خاصی بر ابزار و روش‌های مخاصمه مسلحانه، مبنی بر این است که هر عملی که قائل به تفکیک نباشد و یا نتواند به‌طور مستقیم علیه اهداف نظامی خاص هدایت شود یا اثراتی که نتواند به عنوان الزامات حقوقی محدود شود، ممنوع است. از آنجا که معیار تمایز، مدون در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول، نیز بر حقوق مخاصمه بین‌المللی دریایی اعمال می‌شود، استفاده از ابزار و روش‌های جنگ دریایی که نمی‌توانند علیه اهداف نظامی خاص هدایت شود و یا اثرات آنها نمی‌توانند به چنین اهدافی محدود شود ممنوع است. پاراگراف دوم ماده ۴۹ پروتکل الحاقی اول نیز اشاره می‌کند که مقررات مربوط به حمایت از اهداف غیرنظامی، به‌طور کلی بر اثرات

خصوصیت به زمین، هوا و یا دریا اعمال می‌شود و تمام حملات از دریا و یا از هوا علیه اهداف زمینی را در بر می‌گیرد. در جنگ دریایی نیز پیمان شکنی، سوء استفاده از نمادها و دیگر نشانه‌های حمایتی (مواد ۳۷ تا ۴۰ از پروتکل الحاقی اول و پاراگراف ۱۱۰ و ۱۱۱ دستورالعمل سان‌رمو) ممنوع است (جوردیکاس، ۲۰۱۰: ۱۰). بر اساس اصل تفکیک اشخاص تحت حمایت شامل مجروحین، کشتی‌شکستگان، اسرا و هر کس دیگری که خارج از عنوان رزمنده باشد (از کار افتاده باشد) از حمله مصون است و چنین شخصی نمی‌تواند هدف حمله واقع شود.

اصل تناسب

در مورد قابلیت اعمال اصل تناسب در مخاصمه دریایی، شمار زیادی از منابع نشان داده است که اشاره به مزایای بدست آمده از عملیات نظامی خاص در پرتو حمله به عنوان بخشی از کل اتخاذ می‌شود نه از جداسازی یا بخش‌های خاصی از عملیات. بر مبنای اصل تناسب نیاز است که یک مهاجم اقدامات احتیاطی اتخاذ نماید که اثرات حمله را نسبت به غیرنظامیان را به حداقل برساند. اتخاذ اقدامات احتیاطی در انتخاب سلاح و تاکتیک، به گونه‌ای صورت پذیرد که خسارات جانبی به اهداف غیرنظامی و آسیب اتفاقی به غیرنظامیان به حداقل رسانده شود؛ و انتخاب هدف از میان اهداف بالقوه منجر به ارائه برتری نظامی شود (اشمیت^۱، ۲۰۰۸: ۴۷). در پرتو همین اصل چنان‌که دستوری مبنی بر این باشد که اشخاص تحت حمایت نبایستی زنده بمانند، جنایت جنگی رخ می‌دهد.

اصل اقدامات احتیاطی

اصل اقدامات احتیاطی در حمله به خسارت یا تلفات جانبی اشاره دارد. و این امر غیرقانونی نیست، اگر در طول حمله به اهداف نظامی مشروع، جراحت جزئی به غیرنظامیان یا خسارت جانبی به اهداف غیرنظامی وارد شود. در هنگام حمله، فرماندهان نظامی ملزم به رعایت اقدامات احتیاطی می‌باشند. کتابچه راهنمای سان‌رمو حاوی یک بخش در مورد اتخاذ اقدامات احتیاطی قبل از راه اندازی یک حمله، مشابه آنچه که در ماده ۵۷ پروتکل اول درج شده است، می‌باشد که برای کمک به جلوگیری از حملات غیرقانونی در نظر گرفته شده است (دوسلودبک، ۱۹۹۵: ۵۹۲). قواعد دستورالعمل سان‌رمو در مورد اقدامات احتیاطی در حمله مستقیماً از پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ اتخاذ شده است. اما هنوز مشخص نیست که آیا بند ۴۶ کتابچه راهنمای سان‌رمو راه حل عملی برای انجام خصومت در دریا را ارائه می‌دهد. استفاده از مفهوم امکان‌پذیری، مطمئناً برخی از مشکلات را کاهش می‌دهد. با این حال، اگر عملیات دریایی در مناطق دریایی با ترافیک متراکم، مانند خلیج فارس انجام شود، احتمالاً تقریباً غیرممکن است که اشیا که اهداف نظامی نیستند در ناحیه حمله وجود نداشته باشد. اما قواعد حقوقی صرفاً وضعیت خاصی را مد نظر قرار می‌دهند، و مطمئناً تست عملی را نمی‌پذیرند (هینگ، ۲۰۰۶: ۲۷۸). با این وجود، نیروی دریایی ایالات متحده بیشتر یک نگرش ذهنی را پذیرفته است، البته نگرش فرمانده نظامی برای اجرای مأموریت و حمایت قهری بر چشم‌انداز تنظیمی بالا تمرکز کرده است: فرماندهان نیروی دریایی بایستی همه اقدامات احتیاطی معقول را اتخاذ کنند، از جمله اتخاذ ملاحظات بشردوستانه و اقدامات نظامی، برای محفوظ نگه داشتن حداقل تلفات غیرنظامی و خسارات، سازگاری با اجرای مأموریت و امنیت را در بر داشته باشد. در هر نمونه، فرمانده بایستی تعیین کند که جراحت اتفاقی و خسارت غیرعمدی بیش از حد نخواهد بود، بر اساس یک ارزیابی معقول و صادقانه از حقایق قابل دسترس برای او صورت می‌پذیرد.

اصل ضرورت نظامی

ضرورت نظامی نیز از جمله اصولی است که مبنای عرفی داشته و بر مخاصمه مسلحانه دریایی قابل اعمال می‌باشد. در قضیه گروگان‌گیری دیوان اظهار داشت: ضرورت نظامی به متخاصم اجازه می‌دهد، به‌منظور وادار کردن دشمن به تسلیم کامل در حداقل زمان ممکن و با کمترین هزینه از هر مقدار و نوعی از زور که نیاز است استفاده کند. اصل ضرورت مجوز گرفتن حیات نیروهای مسلح دشمن و دیگر اهدافی که تخریب آنها قانونی است را داده است. در نهایت اگر تخریب منطبق با ضرورت نظامی نباشد، در نوع خودش نقض حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. بایستی ارتباط معقولی بین تخریب اموال و غلبه بر نیروهای

دشمن وجود داشته باشد (دارلی^۱، ۲۰۰۸: ۱۹۲). در دیدگاه مدرن ضرورت نظامی در حقوق مخاصمه مسلحانه در مفهومی که قاعده‌سازی شده است، جزء قواعد ذاتی است. بنابراین، ضرورت نظامی یک اصل مهم است که نبایستی نادیده گرفته شود.

حقوق مخاصمه مسلحانه در جمهوری اسلامی ایران

اقدامات جمهوری اسلامی ایران در زمینه قوانین و مقررات انسان دوستانه و آموزش حقوق مخاصمه را می‌توان در حوزه‌های معاهدات بین‌المللی تصویب شده، قانون اساسی و قوانین و مقررات نیروهای مسلح، مقررات کمیته ملی حقوق بشردوستانه، و کنوانسیون و قوانین و مقررات در حال تصویب، تقسیم‌بندی نمود. که در این مبحث به فراخور نیاز مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

جمهوری اسلامی جزو پیشگامان احترام به ارزش‌های انسان دوستانه بوده و به عنوان یکی از فعالان جنبش جهانی هلال احمر و صلیب سرخ، نقش بسیار فعالی در زمینه‌سازی‌ها و مذاکرات مقدماتی و کنفرانس‌های مرتبط داشته است (ملک‌زاده، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷: ۹۹). مطابق با قوانین جمهوری اسلامی ایران، به خصوص اصول هفتاد و هفتم و یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی، خصوصاً ماده‌ی ۹ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است»، لذا معاهده‌ی بین‌المللی در حکم قانون عادی است و قدرتی برابر با قانون عادی را دارد (ضیایی‌بیگدلی، ۱۳۸۵: ۸۹). دولت ایران، به کنوانسیون‌های متعددی^۲ از جمله کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو پیوسته و متعهد به رعایت مفاد آنها، از جمله مقرر فوق است. علاوه‌براین جمهوری اسلامی ایران به دلیل الزامات شرعی و مبانی اسلامی و توجه به «اصل اسلامی بودن» و «اصل تدافعی بودن» مندرج در دکترین و استراتژی نظامی نیروهای مسلح و نیز فرهنگ اصیل حاکم از زمان باستان، حتی اگر تعهدات بین‌المللی هم وجود نمی‌داشت، این اصول را سرلوحه دفاع نظامی خویش قرار می‌داد. (ملک‌زاده، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷: ۹۸). رویه عملی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در طول ۸ سال دفاع مقدس خود گویای این امر است که در مقابل تجاوز عراق و نقض‌های فاحش حقوق مخاصمه؛ هم‌چون بکارگیری سلاح شیمیایی هرگز به این اقدام دست نیازید و در حال حاضر نیز با حمایت و ارسال کمک‌ها انسان دوستانه به کشور یمن پیشگام این امر در عرصه بین‌المللی می‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به اصول دوم و سوم و فصل سوم قانون اساسی، کرامت و ارزش والای انسان را صرف نظر از هر گونه تعلق قومی، مذهبی، جنسیتی و زبان مد نظر قرار داده است و بر رعایت حقوق بنیادین و آزادی‌های اساسی انسان‌ها تأکید می‌نماید و با توجه به مقررات شریعت اسلامی و روح و فرهنگ اسلامی مبنی بر حفظ شأن و کرامت انسان‌ها و پیشینه تاریخی تمدن ایرانی، رعایت موازین اخلاقی و انسانی و محدودیت‌های نظامی در قبال غیرنظامیان به‌ویژه زنان، کودکان، مجروحین، اسیران، محیط زیست، اموال فرهنگی و اماکن عبادت را باور دارد. بر همین اساس، مجموعه فعالیت‌ها، اقدامات و مواضع جمهوری اسلامی ایران در خصوص قانون‌گذاری، ترویج، اجرای و توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه انجام شده است. براساس ماده‌ی ۶ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران، یکی از اصول و ویژگی‌های اساسی نیروهای مسلح، «اصل تدافعی بودن» می‌باشد و به موجب این اصل، نیروهای مسلح با بهره‌گیری از تمامی توان خود دشمن را از تعرض باز داشته و در برابر هرگونه

1- Daryl

۲- جمهوری اسلامی ایران تا کنون کنوانسیون‌های ذیل را تصویب نموده است: عهدنامه ژنو مورخ ۲۲ اوت ۱۸۶۴ مربوط به حمایت از مجروحان، بیماران جنگی و کارکنان بهداری، اعلامیه سن‌پترزبورگ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۸۶۸ در مورد ممنوعیت در استفاده از گلوله‌های انفجاری کالیبر کوچک، پروتکل ژنو ۱۹۲۵ در زمینه منع کاربرد گازهای خفه‌کننده، سمی یا دیگر گازها و روش‌های باکتریولوژیک جنگی، پروتکل لندن مورخ ۶ نوامبر ۱۹۳۶ در زمینه ممنوعیت حمله به کشتی‌های بازرگانی توسط زیردریایی‌ها، عهدنامه‌های ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹، این عهدنامه‌ها شامل چهار قرارداد است این عهدنامه‌ها عبارتند از: الف) عهدنامه‌های مربوط به بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران مسلح هنگام اردو کشی، این عهدنامه‌ها، جانشین عهدنامه‌های ژنو مورخ ۱۸۶۴، ۱۹۰۶ و ۱۹۲۹ شد، ب) عهدنامه مربوط به بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران و غرق شدگان در نیروهای مسلح در دریاها، ج) عهدنامه مربوط به طرز رفتار با اسیران جنگی، این عهدنامه جانشین عهدنامه ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ شد، د) عهدنامه مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ، قرارداد لاهه مورخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ در زمینه حفظ میراث فرهنگی در زمان جنگ، کنوانسیون ۱۹۹۳ راجع به سلاح‌های شیمیایی، کنوانسیون ۱۹۷۰ منع استقرار سلاح‌های هسته‌ای و سایر سلاح‌های انهدام دسته جمعی، کنوانسیون ۱۹۷۷ منع تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره سلاح‌های باکتریولوژیک و سمی و انهدام سلاح‌های مذکور، کنوانسیون ۱۹۶۸ منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، کنوانسیون ۱۹۶۳ منع آزمایش-های سلاح‌های هسته‌ای در جو و فضای ماورای جو و زیر زیرآب و قانون کنوانسیون پناهندگان (۱۹۵۱).

تجاوز دفاع نموده و متجاوز را تنبیه و سرکوب می‌نمایند و در عین اعتقاد به اصل عدم تعرض، ملل مسلمان یا مستضعف غیرمعارض با اسلام را برای دفاع از خود یاری می‌کنند (ملک‌زاده، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷: ۱۱۱). از دیدگاه مقررات نظامی این اصل با اصول ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۱، و ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تطابق دارد، مواضع جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک کشور طرفدار صلح و ثبات با مواضع کشورهای که در سرتاسر جهان برنامه‌های نظامی مداخله جویانه دارند متفاوت می‌کند. زیرا کشورها استکباری ترجیح می‌دهند در تعرضات نظامی خود تابع محدودیت‌های قانونی نباشند و در نتیجه سعی در کم رنگ کردن قواعد حقوق بشردوستانه خواهند داشت و بالعکس کشورهای صلح دوست سعی در نهادینه کردن این اصول دارند. با این توصیف بدیهی است که جمهوری اسلامی به عنوان یک کشور صلح‌دوست و طرفدار ثبات در منطقه و جهان، تلاشی بین‌المللی و حقوقی مضاعفی برای مهار تجاوزگری‌ها و فناوری‌های ویرانگر نظامی کشورهای استبدادی و ایجاد محدودیت‌های نظامی بین‌المللی به عمل می‌آورد. (رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ۱۳۹۰: ۱۲).

آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۲۰ مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا «مدظله‌العالی» که به لحاظ مقام تصویب‌کننده آن از قداست و اهمیت خاصی برخوردار است، در فصل هشتم خود تحت عنوان «قسمتی از قوانین و مقررات مربوط به رزم منطبق با مقررات قرارداد ژنو که اجرای آن مورد تصویب قرار گرفته است»، از ماده ۷۱ تا ۷۵ تکالیف خاصی را در خصوص حقوق جنگ بر عهده کارکنان نیروهای مسلح از قبیل: مشخصات کارکنان نیروهای مسلح و رزمندگان داوطلب منطبق با قراردادهای ژنو، رفتار انسانی با زخمی‌شدگان و اسیران جنگی، مراقبت از مجروحین، بیماران و مغرورین (مواد ۷۱ الی ۷۳)، مصونیت بیمارستان‌ها و بناهای فرهنگی و وسایل نقلیه حمل بیماران دارای علائم ویژه (هلال احمر و صلیب سرخ، ماده ۷۴)، و سایر حمایت‌های مربوط به اسرا، اموال غیرنظامی، اصول دادرسی منصفانه و... (ماده ۷۵) قرار داده است. اما در هیچکدام از مقررات مذکور تکلیف به آموزش حقوق مخاصمه به نیروهای مسلح را که یک تعهد بین‌المللی می‌باشد، اشاره‌ای نشده است.

در قانون تشکیل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۸/۰۵/۲۸، در ماده ۴ بند «ر»، آموزش و آماده‌سازی پرسنل کادر ثابت وزارت و سازمان وابسته در رسته‌های رزمی جهت پذیرش مسئولیت‌های محوله در جنگ با همکاری نیروهای مسلح را یکی از وظایف آن بر شمرده است و براساس بند «ی» همین ماده تهیه و تنظیم لوازم مورد نیاز نیروهای نظامی و وزارت و سازمان‌های وابسته به آنها بر اساس تدابیر کلی فرماندهی کل، پیگیری جهت سیر مراحل قانونی، ابلاغ قوانین و مصوبات هیأت وزیران از طریق ستاد کل به نیروهای نظامی و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات نیز از جمله وظایف دیگر این نهاد می‌باشد که به نظر می‌رسد با توجه به خلأ در قوانین داخلی و با عنایت به اینکه رعایت و تضمین حقوق مخاصمه مسلحانه یکی از الزامات نیروهای مسلح و نیز تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، از فحوای این ماده استنباط می‌شود که وزارت دفاع با همکاری ستاد کل ملزم می‌باشد که با تصویب آیین‌نامه و صدور دستورالعمل و یا پیشنهاد لوائح قانونی، جهت سیر تصویب توسط مجلس شورای اسلامی، زمینه قانونگذاری جهت رفع خلأهای موجود در حوزه حقوق مخاصمه مسلحانه در نیروهای مسلح و زمینه آموزش حقوق مخاصمه مسلحانه را برای اعضای نیروهای مسلح فراهم آورد.

در قانون اختصاصی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در شرح وظایف نیروهای سه‌گانه (زمینی، هوایی و دریایی) به ترتیب در مواد ۱۰ بند «و»، ۱۱ بند «و»، ۱۲ بند «ه»، الزام به آموزش نیروهای تحت امر خود جهت انجام ماموریت‌های محوله را مقرر داشته است. لیکن همان‌گونه که ذکر شد می‌توان تکلیف به آموزش حقوق بشردوستانه را از فحوای این مواد استنباط نمود، و بایستی ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری ارتش جمهوری اسلامی ایران با صدور دستورالعمل و یا تصویب آیین‌نامه‌هایی زمینه اجرای آموزش حقوق مخاصمه مسلحانه را فراهم آورند.

آئین‌نامه کمیته ملی حقوق بشردوستانه در اردیبهشت و خرداد ماه ۱۳۷۹ به تصویب هیأت وزیران جمهوری اسلامی ایران رسید، این کمیته تضمین به فراهم آوردن زمینه رعایت و اجرای حقوق بشردوستانه و لزوم رعایت حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه و تلاش برای تسکین آلام بشری و را در دستور کار خود قرار داد. و برای رسیدن به همین مقاصد عالی است که بند ۳ ماده ۳ آیین‌نامه‌ی کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران، مصوب هیأت وزیران، بر «آموزش و ترویج مفاهیم حقوق بشردوستانه در میان نیروهای مسلح، عموم مردم، و در مقاطع مختلف تحصیلی» تأکید دارد. کمیته مزبور

با درک ضرورت ترویج فرهنگ احترام به انسان‌ها، به‌ویژه آنان که با مصائبی هم‌چون جنگ مواجه شده‌اند، آموزش و ترویج اصول و مفاهیم حقوق بشردوستانه را در شمار وظایف انسانی و اسلامی خود دانسته است (نوری، ۱۳۸۳، ص ۲۴)، که به اقداماتی در این زمینه از جمله چاپ کتب، برگزاری سمینار و همایش‌های تخصصی، ایجاد کتابخانه بشردوستانه و ... دست یازیده است، اما کافی نیست. لذا بر اساس بند ۴ ماده ۳، کمیته تهیه و ارائه پیشنهاد تصویب قوانین و مقررات در جهت رعایت و اجرای حقوق بشردوستانه را برعهده دارد و به نظر می‌رسد که کمیته ملی حقوق بشردوستانه می‌بایستی با تنظیم و پیشنهاد لویحی به هیئت وزیران جهت سیر تصویب در مجلس شورای اسلامی، زمینه رفع خلأهای موجود در قوانین داخلی و اجرایی نمودن کنوانسیون‌های حقوق بشردوستانه را فراهم آورد.

همان‌گونه که ذکر شد بر اساس قانون اساسی کلیه معاهدات و قراردادهای بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده لازم‌الاجرا می‌شوند. و براساس ماده ۹ قانون مدنی کلیه معاهدات بین‌المللی در حکم قانون عادی تلقی می‌شوند. این موضوع در برخی از مواد کنوانسیون‌های ژنو و لاهه مورد اشاره واقع شده است و به استناد این مواد دولت‌ها ملزم‌اند با اقدام به قانونگذاری، مقررات و قوانین داخلی خود را با مقررات کنوانسیون‌های مذکور هماهنگ نموده و قوانین و مقررات کیفری مناسبی برای مجازات متخلفین وضع نمایند. البته جمهوری اسلامی ایران در برخی از موارد علیرغم حضور فعال در تدوین قوانین و مقررات خاص بین‌المللی، در مقام تصویب این قوانین در مجلس شورای اسلامی و لازم‌الاجرا نمودن آن در داخل کشور با مشکلاتی روبرو بوده است، از جمله می‌توان به حضور ایران در کنفرانس تدوین اساسنامه رم در خصوص تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی، پروتکل‌های الحاقی اول و دوم اشاره نمود، لیکن تاکنون پس از قریب به ۳۰ سال از امضا مقدماتی اساسنامه رم، و پروتکل‌های الحاقی اول و دوم، مجلس شورای اسلامی موفق به تصویب اساسنامه و پروتکل‌های مذکور نشده است. البته اقداماتی در سال‌های اخیر صورت گرفته و دولت «لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اول و دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۹۴۹» را تهیه و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه نمود.

یکی از مسائل بسیار مهمی که نیاز به قانون‌گذاری داخلی دارد بحث جنایات جنگی می‌باشد، در تعریفی کلی «جنایت جنگی، تمام اعمالی است که عمداً قوانین و عرف جنگ را نادیده می‌گیرد»، به موجب اساسنامه مصوب ۱۹۹۸ و نیز تشکیل دادگاه‌های رسیدگی به جنایات جنگی توسط شورای امنیت پدیده‌ایی است که نمی‌توان به راحتی در قبال آنها بی‌تفاوت ماند، زیرا محتوای اساسنامه دادگاه کیفری جزء حقوقی عرفی بین‌المللی است و نیز دیوان در تعقیب کیفری جنایات جنگی قاعدتا به تابعیت متهم و الحاق یا عدم الحاق کشور متبوعش توجه نمی‌کند. از سوی دیگر براساس ماده ۱۷ اساسنامه دیوان، صلاحیت دیوان کیفری جنبه تکمیلی دارد و چنانچه کشورهای عضو، قوانین ماهوی و دادگاه صالح برای تعقیب جنایتکاران جنگی تکمیلی داشته باشند و مجرمین جنگی را خود راساً محاکمه و مجازات نمایند و با آموزش مقررات حقوق بشردوستانه زمینه ارتکاب جرائم غیر انسانی را از میان بردارند، امکان مداخله دیوان کیفری منتفی خواهد شد.

بر عکس اگر نظام حقوقی داخلی با این سیستم حقوق بین‌المللی سازگاری پیدا نکند و از طرفی نیروهای مسلح از وجود مقررات حقوق بین‌المللی بی‌اطلاع بمانند، یقیناً امکان مداخله خارجی و ایجاد مسئولیت کیفری احتمالی برای نیروهای مسلح وجود خواهد داشت. با بیان ضرورت‌های فوق‌الذکر واضح و روشن است، ترویج و اجرای حقوق بشردوستانه به عنوان یک راهکار استراتژیک ملی محسوب می‌گردد که در درجه اول دولت به معنای اعم کلمه و در درجه دوم نیروهای مسلح مکلف به آن هستند در نتیجه وزارتخانه‌های ذی‌مدخل در این رابطه و دستگاه‌های قضایی و همچنین ستاد کل نیروهای مسلح ناگزیرند که برنامه‌ها و راهکاری عملی و فنی را مورد بررسی قرار داده و زمینه ساز اجرای کامل قوانین مذکور را فراهم آورند (کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۸۱: ۱۹-۲۰). ذکر این نکته خالی از فایده نیست که تنها ماده‌ای که به جرم‌انگاری در این حوزه پرداخته، ماده ۱۲۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ می‌باشد، مقرر می‌دارد: «هر نظامی در زمان جنگ با دولتی که قرارداد ژنو مورخ ۱۹۴۹ را امضاء نموده یا بعداً به آن ملحق شده است پرچم یا بازوبند یا سایر علائم هلال احمر یا همردیف آن را در منطقه عملیات جنگی بدون حق علناً مورد استفاده قرار دهد، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود»، که برای جرم‌انگاری جرائم جنگی کافی نمی‌باشد.

علیرغم مسائل ذکر شده دولت ایران به ترتیب براساس مواد ۴۹، ۵۰، ۱۲۹، ۱۴۶، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نسبت به پیگیری قضایی جرائم مندرج در این معاهدات ملتزم شده است. و باید براساس آنها ضمن جرم‌انگاری جرائم جنگی و جنایات جنگی در حقوق داخلی، زمینه محاکمه و مجازات مجرمان را فراهم آورد. علیرغم عدم عضویت ایران به اساسنامه دیوان کیفری، این نکته را می‌بایستی مد نظر قرار داد که بدون عضویت در دیوان، با توجه به اختیارات شورای امنیت به موجب منشور ملل متحد و اساسنامه، ممکن است یک وضعیت به دیوان ارجاع شود؛ همان‌گونه که درباره وضعیت دارفور سودان و لیبی، اتفاق مذکور رخ داد. حال آن که عضویت در دیوان یک شرط پیش‌روی شورا قرار می‌دهد و آن عدم تعقیب مجرمان در کشور است. بدین ترتیب عدم عضویت به منزله از دست دادن فرصت، مخصوصاً برای طرح شکایت در دیوان و محروم شدن از منافع آن است. البته تا کنون دو مصوبه تحت عنوان «نحوه رسیدگی به شکایات جنایات جنگی، کشتار جمعی و تعهدات ناشی از رژیم‌های بشردوستانه و ضد بشری» به ترتیب در مورخه‌های ۸۱/۳/۲۲ و ۸۱/۵/۱۳ تصویب شده است که با ایراد شورای نگهبان مواجه گردیده است و تا کنون مراحل تصویب آن تکمیل نشده است.

ضرورت آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه

رعایت و تبعیت از حقوق مخاصمات مسلحانه یکی از الزامات دولت‌های می‌باشد. هریک از طرف‌های درگیر باید حقوق بین‌المللی بشردوستانه را از طریق نیروهای مسلح خود، نیروهای تحت نظارت و یا دیگر اشخاص و گروه‌هایی که در واقع، تحت امر یا طبق دستورات یا کنترل آن عمل می‌کنند، رعایت و تبعیت از آن را تضمین نماید. الزام دولت‌ها در رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه بخشی از تعهد کلی آن‌ها در رعایت حقوق بین‌الملل است. این تعهد در کنوانسیون‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۴۹ ژنو نیز مورد تصریح قرار گرفته است. با این حال ماده‌ی ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو در تدوین این ماده این الزام را آنچنان بسط داده که در عین حال بتواند موضوع الزام تضمین رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه را نیز در بر گیرد. تعهد و تضمین رعایت این حقوق در ماده‌ی ۱ پروتکل الحاقی اول نیز به چشم می‌خورد (ماری هنرکتر، و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۰۰). الزام یک دولت بر طبق این قاعده، فقط محدود به تضمین رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه توسط نیروهای مسلح خود نبوده، بلکه تضمین رعایت این حقوق از سوی اشخاص یا گروه‌هایی که در واقع بنا به دستور آن دولت عمل می‌کنند یا تحت کنترل آن هستند را نیز شامل می‌گردد. و این یکی از ویژگی‌های استثنایی حقوق مخاصمات مسلحانه است. از این‌رو این قواعد، یک سرباز یا فرد غیرنظامی که بر خلاف این قواعد عمل می‌کند، از نظر کیفری در برابر تمامی آن اعمال مسئول تلقی می‌شود و برای ارتکاب جنایات جنگی مشمول محاکمه است. این مسئولیت کیفری برای اعضای نیروهای مسلح در سطوح و درجات مختلف قابل اجراست. در مقابل محاکماتی که پس از جنگ جهانی دوم انجام شد نشان داد که تنها افرادی که در عالی‌ترین سطوح دولت هستند و فرمانده‌ای عالی نظامی را می‌توان به جنایت علیه صلح، یعنی نقض جدی حقوق توسل به جنگ متهم کرد (گرین و و د، ۱۳۸۷: ۶۲). بدون تردید پیش فرض رعایت قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه توسط نیروهای مسلح آموزش قواعد مذکور به آنها می‌باشد.

تکلیف دولت‌ها به آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی به نیروهای مسلح خود، اولین بار در مواد ۲۶ و ۲۷ کنوانسیون‌های ۱۹۰۶ و ۱۹۲۹ ژنو برای حمایت از مجروحین و بیماران تدوین گردید. سپس این موضوع در کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن، در کنوانسیون لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی و پروتکل دوم آن و همچنین کنوانسیون برخی تسلیحات متعارف بازخوانی گردید، که همه این اسناد بر الزام به آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی به نیروها در زمان صلح تأکید دارند^۱. بنابراین اعضای نیروهای مسلح باید در ارتباط با حقوق و وظایفشان طبق حقوق مخاصمات مسلحانه آموزش ببینند. و از آنجایی که در مورد رعایت حقوق مخاصمات مسلحانه مسئولیت فردی وجود دارد. صرفاً تدوین حقوق و اتکا به مفهوم کلی مسئولیت دولتی در قبال تضمین رعایت آن حقوق کفایت نمی‌کند. دولت‌ها نیز موظفند اقدامات خاصی جهت تضمین رعایت حقوق مذکور به عمل آورند از جمله تعهد دارند که با جرایم جنگی و موارد نقض

۱- کنوانسیون اول ژنو، ماده ۴۷، کنوانسیون دوم ژنو، ماده ۴۸، کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۱۲۷، کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۱۴۴، پروتکل الحاقی اول، ماده ۸۳، پروتکل الحاقی دوم، ماده ۱۹، کنوانسیون لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی، ماده ۲۵، پروتکل الحاقی دوم لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی، ماده ۳۰، کنوانسیون برخی سلاح‌های غیر اتمی، ماده ۶.

فاحش برخورد کنند و نیز ملزم هستند از طریق فرماندهان ارشد خود تضمین کنند که مقررات مفصلی جهت اجرای کنوانسیون ژنو درباره افراد مجروح وضع گردد، دولت‌ها وظیفه دارند متن کنوانسیون و پروتکل‌های را در وسیع‌ترین سطح ممکن در زمان صلح و نیز در زمان جنگ منتشر نمایند. به گونه‌ای که همه مردم بتوانند از آن با اطلاع شوند و متعهد هستند که کنوانسیون ژنو را به اعضای نیروهای مسلح خود به ویژه به پرسنل پزشکی، روحانیون و افراد مسئول امور اسرای جنگی بیاموزند، دولت‌ها همچنین ملزم هستند با یاری جمعیت صلیب سرخ یا هلال احمر ملی، افراد واجد شرایطی را برای کمک به اجرای کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ژنو با تاکید ویژه بر فعالیت کشورهای حامی آموزش دهند (آنتونی پ. و. و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۱۵).

نیروهای مسلح باید برای برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل آموزش صحیح اصول حقوق مخاصمات مسلحانه در زمان صلح و پیش از وقوع جنگ اقدام نمایند. تعهدات فرماندهان نظامی، به کنترل و نظارت بر اعمال و اجرای حقوق مزبور و مقابله با تخلفات مربوطه محدود و منحصر نمی‌شود. مطابق مقررات پروتکل اول، آن‌ها همچنین مکلف هستند که الزامات اطلاعات ناظر بر حقوق مزبور را اشاعه دهند. به واقع اعضای عالی مقام و طرفین مناقشه مشخصا خواسته شد که لازم است فرماندهان، متناسب با سطوح مسئولیت‌شان، تضمین کنند که اعضای نیروهای مسلح از تعهدات‌شان بر اساس عهدنامه و این پروتکل آگاهی یابند (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۰: ۱۵۸). فرماندهان کلیه رده‌های فرماندهان باید تضمین کنند که زیر دستان آن‌ها نه تنها قواعد مورد نظر را می‌دانند بلکه در وضعیتی قرار دارند که قادر به اعمال آن‌ها در زمان وقوع درگیری بر طبق درجه و وظیفه‌شان هستند. فرماندهان همچنین موظفند از نقض آن قواعد اجتناب کرده و در صورت لزوم در این زمینه مداخله نمایند (آنتونی پ. و. و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۳۷). الزام فرماندهان نسبت به اطمینان از آگاهی اعضای نیروهای مسلح تحت امر خود نسبت به وظایف ایشان بر اساس حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی در ماده‌ی (۲) ۸۷ از پروتکل الحاقی اول نیز مقرر شده است. این ماده مبتنی بر این استدلال است که مؤثرترین راه برای تضمین رعایت تعهد دولت‌ها در زمینه آموزش نیروهای مسلح خود، آن است که فرماندهان در مقابل آموزش نیروهای تحت امر خود مسئول باشند.

پارگراف ۱ ماده‌ی ۶، پروتکل الحاقی اول از طرفین قرارداد می‌خواهد «برای آموزش پرسنل واجد شرایط تلاش کنند تا اعمال و اجرای عهدنامه‌ها و این پروتکل و به‌ویژه اقدامات دولت‌های حامی آن‌ها تسهیل شود». در واقع آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه زمانی نتایج مثبت در پی خواهد داشت که فرماندهان فرآیند تعلیم و آموزش را از جمله وظایف خود دانسته و براساس موازین حقوق مخاصمات مسلحانه دستوراتی را در جهت تضمین رعایت حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی صادر نمایند. زیرا «به لحاظ کیفی در قبال جنایات جنگی که مطابق با دستورات آنان ارتکاب می‌یابد مسئولیت بر عهده دارند. آنان همچنین در قبال جنایات جنگی که توسط زیردستان‌شان ارتکاب یافته و در شرایطی که ایشان بایستی از ارتکاب آن جلوگیری کرده یا مرتکب را به مجازات می‌رسانند، از این تعهد تخلف ورزیده‌اند، مسئولیت بر عهده دارند» (ماری هنکرت و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۰۸).

ضرورت آموزش حقوق مخاصمه مسلحانه دریایی در نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران

توسعه همه‌جانبه و پایدار، برنامه و آرمان همه کشورهاست و همگی نیز اعتراف می‌کنند که فرهنگ و آموزش زیربنای چنین توسعه مطلوبی است. آموزش، بنیادی‌ترین رکن از ارکان مهندسی هر کشور است که می‌بایست از برنامه نخستین دولت‌ها باشد. (برازنده، ۱۳۹۳: ۲۹۷) و آموزش کارکنان نیز موجب بالا بردن دانش تخصصی کارکنان می‌شود به نحوی که بتوانند وظایف شغلی خویش را به نحو احسن انجام دهند و برای قبول مسئولیت‌های بیشتر و مهمتر آماده شوند (مطلبی، ۱۳۹۳: ۷۴). از این‌رو هدف اصلی آموزش حقوق، برقراری صلح میان انسان‌ها، روابط بین فردی، گروه‌ها، کشورها، جوامع و فرهنگ‌هاست. به‌طور کلی کاهش یا حتی از بین بردن انواع مشکلات انسان‌ها را می‌توان هدف آموزش دانست. در اسناد بالادستی کشور اشارات تلویحی و مختصری به مقوله صلح و آموزش آن شده است؛ برای نمونه در سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، پرهیز از تشنج در روابط کشورها، تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم، و تحکیم روابط با جهان اسلام ترسیم و اعلام شده است. بنابراین برای رسیدن به این اهداف عالی با در نظر گرفتن تغییر و تحولات ملی بین‌المللی و جهانی می‌بایستی تمامی

عرصه‌ها در برنامه‌های آموزش عالی گنجانده شود (مرزوقی، ۱۳۹۶: ۳۸۷). تا موجب ارتقای دانش و مهارت‌ها، بهبود نگرش‌ها و تغییر ارزش‌های مورد نیاز برای تغییر رفتار و اعمال می‌شود. چرا که آموزش حقوق منجر به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و افزایش تعاون و همبستگی بین افراد و کشورها می‌شود (سیفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۹).

ظهور کنوانسیون‌های بین‌المللی در عرصه فعالیت‌های دریانوردی و کشتیرانی، اهمیت آموزش قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه دریایی، خصوصاً برای ناوگان‌های نظامی را دو چندان کرده است؛ امروزه با ورود فناوری‌های نوین در عملیات‌های دریایی، آموزش چگونگی استفاده از این فناوری‌ها می‌تواند به عنوان یک مهارت برای کارکنان نیروهای دریایی مطرح شود؛ ضرورت ارتقاء سطح آموزش دریانوردان بر طبق استانداردهای بین‌المللی جهت افزایش مهارت و شایستگی آنان، از اهمیت زیادی برخوردار است. (کازمی عسکرانی و همکاران، ۱۳۹۳). این قواعد حقوقی باید در فعالیت‌های آموزشی و تمرینی نیروهای دریایی گنجانده شوند تا از این طریق نوعی رفتار حرفه‌ای و انضباطی در بین کسانی که در سطوح تاکتیکی عمل می‌کنند، شکل گیرد و به نوبه‌ی خود به ادغام این اصول در روند تصمیم‌گیری‌های نظامی در بخش‌های عملیاتی و در فعالیت‌های نظارتی که ضامن رعایت این قواعد در حین عمل باشند، منجر گردد (آنتونی پ. و. و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳).

بنابراین، بر کارکنان نیروی دریایی به عنوان پیشگامان رعایت قواعد بین‌الملل حقوق مخاصمات مسلحانه دریایی، لازم است که شناخت کافی از قواعد حقوق مخاصمات دریایی و نیز ظرفیت قوانین و مقررات داخلی کشور به منظور بهره‌گیری از ابزارهای دریایی را داشته باشند. بدون تردید اقدامی نسنجیده موجبات مسئولیت بین‌المللی کشور را در پی خواهد داشت. در حقیقت، یکی از عوامل نقض حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌الملل دریایی و وقوع مسئولیت بین‌المللی در عرصه دریا، عدم آگاهی و اطلاع کارکنان نادجا و بعضاً دستگاه‌های نظامی از قواعد بین‌المللی و داخلی می‌باشد. پس اگر مسئولین مربوطه صرف‌نظر از این تفاوت‌ها، بدلیل نداشتن آموزش لازم و همچنین عدم شناخت قوانین حقوقی در این رابطه، منجر به نقض قواعد بین‌المللی شود، آن دولت طبق حقوق بین‌الملل، مسئول عمل متخلفانه بین‌المللی‌اش می‌باشد.

بدیهی است، آموزش قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه دریایی به افسران نیروی دریایی کمک می‌کند تا واقعیت‌های مورد نزاع و اختلافی را توأم با علم و آگاهی و حلم تحمل بررسی و تحلیل کنند. این امر کمک می‌کند تا آنها برای درک و فهم نتایج اعمال‌شان و نتایج اعمال کارکنان زیرمجموعه‌شان آماده شوند. لذا ضروری است که مقوله آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی دریایی، یک مقوله جدی در جامعه دریایی تلقی گردد. این آموزش موجب، افزایش دانش مربوط به قواعد حقوقی در عرصه بین‌المللی؛ استنباط و استدلال منطقی اوضاع و احوال موجود؛ آگاهی از اصول و ارزش‌های حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی دریایی؛ عملکرد صحیح و منطبق با موازین بین‌المللی و در راستای منافع ملی؛ توانائی حضور در عرصه‌های بین‌المللی و دیپلماتیک؛ توانائی بر حل اختلافات مطابق با اصول حقوقی بین‌المللی و درک صحیح و استفاده از مکانیسم‌های حمایتی مخاصمات مسلحانه بین‌الملل دریایی در سطوح ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی می‌شود.

بنابراین اعضای نیروهای دریایی باید در ارتباط با حقوق و وظایفشان طبق حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌الملل دریایی آموزش ببینند. و از آنجایی که در مورد رعایت حقوق بین‌الملل مسئولیت فردی وجود دارد. صرفاً تدوین حقوق و اتکاء به مفهوم کلی مسئولیت دولتی در قبال تضمین رعایت آن حقوق کفایت نمی‌کند. دولت‌ها نیز موظفند اقدامات خاصی جهت تضمین رعایت حقوق مذکور به عمل آورند از جمله تعهد دارند که با جرایم جنگی ارتکابی در دریا توسط کارکنان‌شان برخورد کنند و نیز ملزم هستند از طریق فرماندهان ارشد خود تضمین کنند که مقررات مفصلی جهت اجرای قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی دریایی وضع کنند، دولت‌ها همچنین ملزم هستند با یاری نهادهای بین‌المللی و ملی، افراد واجد شرایطی را برای کمک به اجرای قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی دریایی آموزش دهند (آنتونی پ. و. و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۱۵). در زمینه آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی جهت کارکنان نظامی اصول خاصی وجود دارد. در زیر تعدادی از اصول شاخص در زمینه آموزش مورد اشاره قرار گرفته شده است. هدف از این اصول کمک به فرماندهان، پرسنل و مربیان در انجام وظایف-شان به موجب حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌الملل دریایی می‌باشد. در زمینه آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی اصول خاصی وجود دارد. در زیر تعدادی از اصول شاخص در زمینه آموزش مورد اشاره قرار گرفته شده است. هدف از این

اصول کمک به فرماندهان، پرسنل و مربیان در انجام وظایفشان به موجب حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌الملل دریایی می‌باشد.

- آگاه ساختن بالاترین رده‌های نظامی، در چهارچوب کنفرانس‌ها، نشست‌ها، کنفرانس فرماندهان و سایر فرصت‌ها با تأکید بر تعهد به وارد کردن قواعد حقوق مخاصمه در سیستم آموزش نیروهای مسلح و نیروی دریایی.
- استفاده از اسناد مناسب آموزش، برای یک آموزش مفید و کارآمد بسیار حایز اهمیت می‌باشد. باید تضمین شود که اسناد مورد نظر در دسترس بوده و برای فرماندهان و مربیان قابل فهم باشند. برای آموزش رده تاکتیکی، دستورالعمل ویژه‌ای با تمرکز به نحوه رفتار و اجرای عملیات در هنگام نبرد پیشنهاد شده است.
- در دستورات آموزش سالانه یا سایر دستورات اساسی، وظیفه آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌الملل دریایی باید ذکر گردد و با تشریح جزئیات لازم چهارچوب کار مشخص شود.
- همکاری نزدیک میان بخش‌های حقوقی، عملیاتی و آموزشی در عالی‌ترین بخش‌های دفاعی و جنگی و ستادهای فرماندهی.
- ستاد فرماندهی از تلاش برای ادغام نظام‌مند آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (دریایی) در تمامی دوره‌های آموزشی به ویژه دوره‌های فرماندهی حمایت خواهد کرد.
- آموزش حقوق بشردوستانه باید متقاعد کننده باشد. فرد تحت آموزش باید به ضرورت رعایت حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (دریایی) اعتقاد پیدا کند؛ بنابراین فرمانده یا مربی خود باید به این امر اعتقاد داشته باشد.
- آموزش باید توسط مقامات رده میانی صورت گیرد. مناسب‌ترین و مفیدترین فردی که می‌تواند آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (دریایی) را بر عهده بگیرد، فرمانده رده میانی فرد تحت آموزش می‌باشد.
- آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (دریایی) باید مکمل آموزش نظامی و فعالیت‌های تمرینی باشد. آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه موضوعی مربوط به متخصصان نیست.
- با توجه پیچیدگی و ماهیت جامع این موضوع، آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (دریایی) باید گزینشی باشد. طرح‌های آموزشی باید متناسب با مخاطبان مورد نظر و با در نظر گرفتن اینکه چه اصولی را یک واحد نظامی برای انجام مأموریت خود در میدان نبرد واقعاً باید بداند، تعیین شود.
- آموزش باید ساده و مستمر باشد. ساده بودن آموزش امری ضروری است. آموزش و مرور مستمر مستلزم حفظ آمادگی به میزان مناسب، امکان‌پذیر بودن اعمال تغییراتی در عزل و نصب پرسنل و معرفی وظایف جدید یا اضطراری بر طبق حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (دریایی) می‌باشد.
- آموزش باید عملی و واقع‌گرایانه باشد. از آنجا که آموزش عملی به طور معمول به تلاش‌های سازمان یافته بیشتر نیاز دارد، خطر تکیه بر تئوری‌ها همواره وجود دارد. هیچ جایگزینی برای آموزش عملی وجود ندارد.
- آموزش باید منعکس کننده تازه‌ترین اوضاع و شرایطی باشد که در آن‌ها تعهدات مندرج در حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی (دریایی) به وقوع می‌پیوندد (نعمتی، سیفی، ۱۳۹۷: ۴۵-۴۴).

البته در حال حاضر در مقطع تحصیلی کارشناسی رشته تفنگداران دریایی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران یک درس دو واحدی تحت عنوان قواعدی کاربردی مخاصمات مسلحانه لحاظ گردیده است که به نظر می‌رسد برای شروع مناسب می‌باشد اما کافی نیست. و می‌توان این واحد درسی را برای تمامی رشته‌های تحصیلی دانشگاه‌های افسری به اجرا در آورد.

راه کارهای پیشنهادی موثر در آموزش و اجرای حقوق مخاصمات دریایی

در ذیل راه کارها و پیشنهاداتی که منجر به ترویج حقوق مخاصمات دریایی شده و در نهایت زمینه آموزش حقوق مخاصمات را فراهم می‌آورد، اشاره می‌گردد:

- ترجمه رسمی قراردادهای ژنو و سایر اسنادی حقوق مخاصمات مسلحانه که به عنوان یک تعهد بین‌المللی محسوب می‌شود و مورد تصریح کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیز واقع شده است،

- صدور دستورالعمل‌ها، و دستورها و آموزش‌های لازم به نیروهای دریایی تحت امر خود جهت تضمین رعایت حقوق مخاصمات بین‌المللی که برای اولین بار در کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه (مواد ۱) به تصویب رسید و در کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی (ماده ۱)، پروتکل الحاقی اول (ماده ۷ بند ۱) و همچنین پروتکل الحاقی دوم کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف مورد تصریح قرار گرفته شده است،
- بهره‌گیری از مشاوران حقوقی نیروهای مسلح در آموزش حقوق مخاصمات دریایی که به‌کارگیری چنین مشاورانی صراحتاً در پروتکل الحاقی اول (ماده ۸۲) مقرر شده است،
- برگزاری آموزش‌های ویژه حقوق مخاصمات مسلحانه، جهت فرماندهان عالی رتبه و ارشد چرا که آنان مسئولیت ارائه آموزش در زمینه حقوق بین‌المللی مخاصمات به نیروهای تحت امر خود را بر عهده دارند،
- اعزام افسران عالی‌رتبه نیروی دریایی به دوره‌های آموزشی بین‌المللی که همه ساله توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اجرا می‌گردد، می‌تواند در رعایت و تضمین و اجرای حقوق مخاصمات دریایی توسط آنها و کارکنان تحت امرشان مفید واقع شود،
- پیشنهاد لوایح به مجلس شورای اسلامی، صدور آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی توسط ستاد کل نیروهای مسلح، ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمینه آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه به نیروهای مسلح،
- گنجاندن اصول اساسی حقوق مخاصمات مسلحانه در آموزش‌های روزمره و اولیه کارکنان، افسران، دانشجویان افسری، و سربازان وظیفه در بدو خدمت و حین خدمت،
- ارائه درس حقوق مخاصمات مسلحانه (دریایی) به منظور آموزش حقوق مخاصمات به صورت ۲ واحد درسی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های نظامی و انتظامی،
- برگزاری دوره‌های طولی و عرضی آشنایی با حقوق مخاصمات مسلحانه (دریایی) در سطح نیروهای مسلح ویژه کارکنان، فرماندهان و افسران عالی‌رتبه نیروی‌های مسلح.
- تشکیل انجمن حقوق بین‌الملل دریاها و حقوق مخاصمات مسلحانه دریایی در نادجا

بحث و نتیجه گیری

طبق مفاد مواد ۴۷، ۴۸، ۱۲۷، ۱۴۴، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و برخی معاهدات حقوق مخاصمات مسلحانه دیگر، نیروهای مسلح شرکت‌کننده در مخاصمات مسلحانه باید برای رعایت و اجرای دقیق و صحیح این قوانین و دیگر قوانین مربوط به حقوق بشردوستانه، آموزش صحیح ببینند، زیرا این حقوق صرفاً الفاظی صوری نیستند بلکه به آن اندازه دارای اهمیت هستند که عدم اجرای آنها، تخریب و جرم محسوب می‌شود و مستوجب مجازات مرتکبان و مجریان خواهد بود. در همین راستا مراکز آموزش-های بدو خدمت در نیروهای مسلح می‌بایستی سعی نمایند تا با ارائه‌ی آموزش‌های عمومی و تخصصی؛ افسران، درجه‌داران و کارکنان وظیفه مورد نیاز را منطبق با نیاز سازمان در شرایط جنگی تحت تربیت و آموزش قرار دهند، مسلماً موجبات رعایت این قواعد را به هنگام وقوع مخاصمه مسلحانه را فراهم خواهد آورد.

قوانین داخلی جمهوری اسلامی از جمله قانون اساسی و قوانین اختصاصی نیروهای مسلح علیرغم اینکه بر اصول بنیادین و اساسی اسلامی مبتنی است و زمینه رعایت حقوق مخاصمات مسلحانه را در بطن خود دارد اما همچنان خلأهای قانونی در نظام حقوقی ایران مشهود است. لیکن راهبردها و برنامه‌های مبتنی بر آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه نه تنها از جرم و قربانی شدن افراد جلوگیری می‌کند بلکه موجب ارتقا ایمنی نیروهای مسلح می‌شود و به توسعه پایدار کشورها نیز کمک

۱- «برای نمونه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برنامه‌های آموزشی متعددی در خصوص حقوق جنگ و در پاسخ نیازهای سطح مختلف نیروهای مسلح تدارک دیده است این برنامه‌های آموزشی شامل: ارائه سخنرانی و مباحثات مربوط به حقوق جنگ در دانشگاه‌های نظامی، کارگاه‌های آموزشی سه روزه برای مربیان، سیمینارهای پنج روزه برای افسران نظامی عالی رتبه و مشاوران حقوقی، علاوه بر این کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در برگزاری دوره‌های آموزشی در سطح بین‌المللی مساعدت و همکاری لازم بعمل می‌آورد. در این دوره‌ها همه ساله صدها تن از افسران نظامی از سراسر جهان شرکت می‌کنند.» (رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ۱۳۹۰: ۴۵).

می‌نماید. از این رو با تمامی تفاسیر فوق، اجرایی نمودن تعهدات مذکور بر دستگاه‌های قانون‌گذار و اجرایی کشور لازم است که با وضع قوانین و آیین‌نامه‌ها و نیز صدور دستورالعمل‌های نظامی، زمینه آموزش و ترویج حقوق مخاصمات مسلحانه را برای نیروهای مسلح و همچنین برای مردم عادی فراهم آورند.

پرواضح است که اجرای مؤثر حقوق مخاصمات مسلحانه به اشاعه و گستراندن آن وابسته است. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، به ترتیب طبق مواد ۴۷، ۴۸، ۱۲۷، ۱۴۴ کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو، ماده‌ی ۸۳ پروتکل الحاقی اول و ماده‌ی ۱۹ پروتکل الحاقی دوم، تمام اعضای متعاقد را در حد امکان ملزم به انتشار گسترده متن کنوانسیون‌ها نموده‌اند. چرا که فراهم کردن اطلاعات حقوق مخاصمات مسلحانه، مبنای ضروری است که از آموزش و ارتقای نگرش افراد به سمت و سوی پذیرش بیشتر این اصول به عنوان دستاورد توسعه اجتماعی و فرهنگی بشری نشأت می‌گیرد. در واقع نظارت بر حقوق مخاصمات مسلحانه را فقط وقتی می‌توان انتظار داشت که مقامات، نیروهای مسلح با محتویات و مفاهیم این حقوق آشنا شوند. از این رو، نیروهای مسلح به نوبه خود ملزم می‌باشند، بستر لازم را در مراکز آموزشی جهت کارکنان تحت امر خود فراهم آورند تا ضمن آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه زمینه ترویج و رعایت آن را ایجاد نمایند.

منابع

- آنتونی پ. و. راجرز پل مالرب. (سال ۱۳۸۷). «قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه»، چاپ دوم، نشر امیر کبیر، تهران.
- آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح مصوب مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا (۱۳۶۹/۱۰/۲۰).
- آیین‌نامه کمیته ملی حقوق بشردوستانه مصوب هیات وزیران، (اردیبهشت و خرداد ماه ۱۳۷۹).
- برزانده، آرزو. (۱۳۹۳). «نقش رسانه‌ها در تلاش برای توسعه و گسترش آگاهی از حقوق بشردوستانه»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، تهران. سال دهم شماره ۴.
- رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی. (۱۳۹۰). دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، نشر سرسم.
- زمانی، سید قاسم. (زمستان ۷۵). «حقوق جنگ دریایی و تحولات جدید»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۷، تهران.
- سیفی بهزاد، کریمی بیرگانی، فرزاد. (زمستان ۱۳۹۶). عملکرد سازمان‌های دریایی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با دزدی دریایی در پرتو تحولات حقوق بین‌الملل، مجموعه مقالات همایش ملی ایران و حقوق بین‌الملل صلح و امنیت منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه قم.
- سیفی، بهزاد، شریفی طراز کوهی، روحانی، کارن، نصیری لاریمی، رضا. (زمستان ۱۳۹۷). «مشروعیت بکارگیری فناوری مین‌های دریایی در زمان صلح، با تأکید بر آموزش قواعد کنوانسیون حقوق دریاها»، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش علوم دریایی، شماره ۱۵.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۷۳). «حقوق جنگ»، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۵). «حقوق بین‌الملل عمومی»، انتشارات گنج دانش، تهران.
- شریفی طراز کوهی، حسین. (بهار ۱۳۹۰). «حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، نشر میزان، تهران.
- هینگ، ولف هینشل فان. (۱۳۸۷). «حقوق مخاصمه مسلحانه در دریا»، حقوق بشردوستانه در مخاصمه مسلحانه، ترجمه سیدقاسم زمانی، ویراسته دیتر فلک، انتشارات شهردانش، تهران.
- قانون اختصاصی ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب (۱۳۶۶/۰۷/۰۷).
- قانون تشکیل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مصوب (۱۳۶۸/۰۵/۲۸).
- قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۸۲/۱۰/۰۹).
- کاظمی عسکرانی، یاسر، حسن زاده، منصوره. (۱۳۹۳). «بررسی اثربخشی روش آموزش کارشناسان عملیات بندری در کاهش چالش‌های مدیریتی»، یازدهمین همایش بین‌المللی سواحل، بنادر و سازه‌های دریایی، تهران، سازمان بنادر و دریانوردی.
- کمیته ملی حقوق بشردوستانه. (۱۳۸۱). آشنایی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی، چاپ باختر، تهران.
- گرین‌وود، کریستوفر. (۱۳۸۷). «سیر تحول تاریخی و مبنای حقوق بشردوستانه»، حقوق بشردوستانه در مخاصمه مسلحانه، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، ویراسته دیتر فلک، انتشارات شهردانش، تهران.
- گرین‌وود، کریستوفر. (۱۳۸۷). «قلمرو و گستره اجرای حقوق بشردوستانه»، حقوق بشردوستانه در مخاصمه مسلحانه، ترجمه نادر ساعد، ویراسته دیتر فلک، انتشارات شهردانش، تهران.

- ماری هنکرتز، ژان، و همکاران. (۱۳۸۷). «حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی»، ترجمه امور بین‌الملل قضایی ج.ا.ا. و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ویرایش کتابون حسین نژاد، پوریا عسکری، جلد اول، مجمع علمی فرهنگی مجد، تهران.
- مطلبی ورکانی، ابوطالب. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه‌ی آموزش و تربیت نیروی انسانی در نیروی دریایی راهبردی و توسعه بهینه سواحل مکران»، فصلنامه علمی - پژوهشی آموزش علوم دریایی، دوره ۱، شماره ۱.
- مرزوقی، رحمت‌اله، محمدی، مهدی، شمشیری، بابک، دادگر همایون، (۱۳۹۶)، «تدوین برنامه درسی صلح در آموزش عالی: یک مطالعه کیفی»، دو ماهنامه علمی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، آذر - دی.
- ملک‌زاده، سعید. (زمستان ۱۳۸۶ و بهار ۱۳۸۷). «راهبرد جمهوری اسلامی ایران در خصوص تقویت حقوق مخاصمه مسلحانه بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، تهران، شماره ۳۱ و ۳۲.
- نوری، سید مسعود. (آبان و آذر ۱۳۸۳). «آموزش حقوق بشردوستانه»، اطلاع‌رسانی و کتابداری: کتاب ماه علوم اجتماعی، تهران، شماره ۸۵ و ۸۶.
- نعمتی، محمدرضا، سیفی، بهزاد. (۱۳۹۴). «حقوق و قواعد کاربردی مخاصمات مسلحانه»، انتشارات دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)، نوشهر.
- نیکنام، احمد. (بهار ۱۳۸۶). «جنگ دریایی از منظر حقوق بین‌الملل»، مجله دادرسی، ش ۶۶، سال یازدهم.
- Doebbler, Curtis to F. J..(2005). Introduction To International Humanitarian Law, published and distributed by CD publishing, Washigton.
- Doswald-Beck, Louise, (NOVEMBER-DECEMBER (1995). "San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflict at Sea", INTERNATIONAL REVIEW OF THE RED CROSS, No. 309.
- Jurídicas, Ciencias.(2010). "Naval war and its international legal regulations", Juan Manuel Portilla Gómez.
- Kalshoven, Frits.(2011). Constraints on the Waging of War: An Introduction to international humanitarian law, Cambridge University Press. International Committee of the Red Cross.
- Kalshoven, Frits, Sterid J. M. Delissen, And Gerard J. Tanja.(1991). Humanitarian Law Of Armed Conflict Challenges Ahead, Martinus Nijhoff Pulishers Dordercht/ Bosston/ London.
- Klein, Natalie.(2011). Maritaim Security and the Law the Sea, Oxford University Press.
- Maresca, Louis, Maslen, Stuart, (Ed).(2000).The Banning Of Anti-personnel Landmines, Cambridge University Press.
- Provost, Rene. (2002). International Human Rights And Humanitarian Law, Cambridge Studies In International And Comparative law.
- Mundis, Daryl A., (May 2008). The Law of Naval Exclusion Zones, A Thesis Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy, University of London The London School of Economics and Political Science Law Department.
- Sassòli, Marco, Bouvier, Antoine A., Quintin, Anne, Chapter 10:The Law of Naval Warfare, IN WAR? HOW DOES LAW PROTECT, Cases, Documents and Teaching Materials on Contemporary Practice in International Humanitarian Law, Volume I, Outline of International Humanitarian Law, Third Edition.
- Stephenst, Dale.(2001). "Human Right And Armed Conflict –The Advisory Opinion Of The International Court Of Justice In Nuclear Weapons Case", Yale Human Rights & Development Law Journal, Vol. 24.
- Schmitt, Michael N. (2008). "The Principle of Distinction and Weapon Systems on the Contemporary Battlefield", THE QUARTERLY JOURNAL.
- St. Petersburg Declaration Renouncing the Use, in Time of War, of Explosive Projectiles Under 400 Grammes Weight, Saint Petersburg of 11 December 1868.
- The Geneva Convention I for the Amelioration of the Condition of Wounded and Sick in Armed Forces in the Field, (1949).
- The Geneva Convention II for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea, (1949).
- The Geneva Convention III Relative to the Treatment of Prisoners of War, (1949).
- The Geneva Convention IV Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, (1949).
- The Geneva Protocol I Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts, (1977).
- The Geneva Protocol II Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts, (1977).
- von Heinegg, Wolff Heintschel, (2006), "The Current State of The Law of Naval Warfare: A Fresh Look at the San Remo Manual", International Law Studies – Volume 82, The Law of War in the 21 st Century: Weaponry Use of Force.
- WALKER, GEORGE K., (2004), "Defining Terms in the 1982 Law of the Sea Convention III: The International Hydro-graphic Organization ECDIS Glossary", 34 CAL. W. INT'L L. J. 211, 238.